یادداشت مدیر مسئول



حسین مدرس خیابانی
رئیس موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

با کمال مسرت و افتخار، شماره پنجم مجله «سیاست‌پژوهی بازرگانی و توسعه» را تقدیم خوانندگان فرهیخته و اندیشمندان ارجمند می‌کنیم. انتشار این شماره، حاصل تلاش جمعی نویسندگان، پژوهشگران و همکاران گرامی در موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی و نمادی از تعهد آن‌ها به تعمیق گفتمان علمی در عرصه سیاست‌گذاری اقتصادی و صنعتی است. در جهانی که تحولات پرشتاب فناوری و تجارت، مرزهای سنتی را درنوردیده، چنین نشریاتی می‌توانند چراغ راهی برای سیاست‌گذاران و فعالان اقتصادی باشند. همان‌گونه که از فهرست مطالب این شماره برمی‌آید، تمرکز اصلی شماره پنجم بر صنعتی شدن در آینه راهبردهای تجاری و سیاست‌های صنعتی نوین است.

در حالی که پاره‌ای گفتمان‌های داخلی در زمینه توسعه اقتصادی ضمن برجسته‌سازی نقش محوری بخش خدمات و از جمله خدمات مالی و فناوری اطلاعات در ایجاد ارزش افزوده، بر گذار به اقتصادهای پساصنعتی تاکید و تلاش در به حاشیه راندن صنعت می‌کنند، واقعیت‌های تجربی و مدل‌های اقتصادی نوین کماکان بر حفظ جایگاه مرکزی بخش صنعت در فرآیند توسعه پایدار صحه می‌گذارند. این اندیشه که کشورهای در حال توسعه می‌توانند مرحله تولید صنعتی را دور بزنند و مستقیماً به اقتصاد خدماتی جهش کنند، در سال‌های اخیر رواج زیادی یافته است. از آنجا که حوزه خدمات به منبعی مهم‌تر برای رشد اقتصادی و فعالیت‌های تجاری بدل شده، بسیاری این پرسش را مطرح می‌کنند که آیا صنعتی‌شدن سنتی هنوز اهمیتی دارد یا اساسا دیگر امکان‌پذیر است؟ گرچه باید فرصت‌های نوین توسعه مبتنی بر خدمات را به رسمیت شناخت، اما این تصور که کشورها می‌توانند صنعتی‌شدن را نادیده بگیرند، در بیشتر موارد نوعی خیال‌اندیشی خام است. شواهد نشان می‌دهد که تنها شمار اندکی از کشورها بدون داشتن پایه‌ای نیرومند و رقابت‌پذیر در تولید صنعتی به توسعه دست یافته‌اند. دلیل آن هم روشن است؛ رشد صنعت‌محور یک کارنامه روشن تاریخی دارد و بخش خدمات نمی‌تواند جایگزین کارکردهایی شود که تولید صنعتی به‌طور منحصربه‌فرد فراهم می‌آورد که از جمله آن‌ها رشد پایدار بهره‌وری، نوآوری، تجارت و بنیان‌گذاری اقتصادی نیرومند است.

به واقع، تقریبا هر کشوری که توانسته است از فقر به ثروت گذر کند، این تحول را از مسیر صنعتی‌شدن پیموده است.

داده‌های سازمان توسعه صنعتی ملل متحد نیز به نتایجی مشابه رسیده‌اند. گزارش «توسعه صنعتی سال ۲۰۲۶» یونیدو که به تازگی منتشر شده تأکید دارد که طی پنجاه سال گذشته ۶۴ درصد از دوره‌های رشد را می‌توان مستقیما به صنعت‌ساخت نسبت داد. شواهد موردی نیز این فرضیه را تقویت می‌کند. دو نمونه موفق‌ترین داستان‌های توسعه اقتصادی معاصر یعنی چین و ویتنام از مسیر صنعتی‌شدن صادرات‌محور به رشد شتابان دست یافته‌اند و هر دو کشور اکنون در زمره نیرومندترین اقتصادهای صنعتی جهان قرار دارند. در واقع، کل کارنامه تاریخ نشان می‌دهد که هیچ کشوری جز معدود دولت‌های برخوردار از منابع طبیعی سرشار (و عمدتا متکی به نفت) یا برخی «گریزگاه‌های مالی» کوچک نتوانسته‌اند بدون توسعه یک صنعت رقابت‌پذیر، به سطح بالای استانداردهای زندگی دست یابند و از همین رو امروز دو اصطلاح «صنعتی‌شده» و «توسعه‌یافته» غالبا به جای یکدیگر به کار می‌روند.

فعالیت‌های صنعتی از توان ذاتی سازگاری آسان‌تری با مکانیزاسیون (اتوماسیون، رباتیک و مانند آن) و فرایندهای شیمیایی (سنتز، پلیمریزاسیون، تقطیر، کاتالیز و مانند آن) برخوردارند. این ویژگی، همراه با امکان تمرکز مکانی تولید، ظرفیت رشد بهره‌وری از طریق صرفه‌های مقیاس در هر دو شکل صرفه‌های ایستای ناشی از میزان تولید و صرفه‌های پویای ناشی از یادگیری در عمل را افزایش می‌دهد که بازتولید این مزایا در بخش خدمات دشوار است. تولید صنعتی سرریزهای بهره‌وری به‌مراتب بیشتری نسبت به خدمات به سایر بخش‌ها ایجاد می‌کند و پیوندهای پسین و پیشین نیرومندتری دارد که اثر آن را بر کل اقتصاد تقویت می‌کند. در کنار دو کارکرد مهم «سرریز» و «پیوند» برای بخش صنعت، بُعد نوآوری آن اما شاید مهم‌ترین بُعد باشد. بنگاه‌های تولیدی سرمایه‌گذاری سنگینی در تحقیق و توسعه انجام می‌دهند و از این رهگذر سرریزهای نوآورانه گسترده‌ای در سراسر اقتصاد ایجاد می‌کنند. در واقع، طبق گزارش «توسعه صنعتی سال ۲۰۲۶» یونیدو، صنعت‌ساخت عامل عبور بهتر از بحران همه‌گیری کووید-۱۹، عامل ۵۳ درصد از فعالیت‌های تحقیق و توسعه جهانی و مالک ۶۰ درصد از پتنت‌های سبز در جهان بوده، هر شغل در بخش صنعت بیش از دو شغل اضافی در سایر بخش‌ها ایجاد کرده است. تولید صنعتی زیربنای مادی نوآوری را فراهم می‌کند، برای فناوری‌های نوین تقاضا می‌آفریند و انباشت قابلیت‌های مولدی را ممکن می‌سازد که نوآوری‌های بعدی بر آن‌ها استوار می‌شوند و اگرچه برخی خدمات دانش‌بنیان نیز، مانند توسعه نرم‌افزار، محرک نوآوری هستند، اما قطعا پیوند میان صنعت ساخت و پیشرفت فناورانه عمیق‌تر است.

امروز همچنین تولید صنعتی همچنان در تجارت جهانی غالب است و این امر برای توسعه اقتصادی اهمیتی بسزایی دارد. صادرات کالاها (که عمدتا صنعتی هستند) حدود ۸۰ درصد از کل صادرات جهانی را تشکیل می‌دهد. صادرات به کشورها امکان تخصص‌یابی، دستیابی به مقیاس و ارتقای رقابت‌پذیری می‌دهد؛ اموری که همگی رشد بهره‌وری و توسعه فناورانه را تسریع می‌کنند. تولید صنعتی در طول تاریخ بسیار بیش از خدمات قابلیت مبادله‌پذیری داشته و این مزیت همچنان پابرجاست. همچنین کالاهای صنعتی ذاتا بیش از اغلب خدمات قابلیت انبارشدن، استانداردسازی و حمل‌ونقل دارند. تولید صنعتی از «یادگیری از طریق صادرات» بهره بیشتری می‌برد و بنگاه‌هایی که در عرصه تولید در مواجهه با رقابت جهانی ناگزیر به نوآوری و بهبود بهره‌وری می‌شوند. علاوه بر این یک کارخانه می‌تواند برای میلیون‌ها مصرف‌کننده جهانی تولید کند؛ در حالی که بیشتر خدمات همچنان مقید به تقاضای محلی‌اند و برای کشورهای در حال توسعه که در پی تحول شتابان‌اند، دسترسی به بازارهای جهانی از رهگذر صادرات صنعتی، امری حیاتی بوده است.

در این میان اما شاید رایج‌ترین اعتراض به توسعه صنعت‌محور آن باشد که اتوماسیون، مشاغلی را که در گذشته صنعتی‌شدن را به نیرویی قدرتمند برای توسعه بدل می‌کرد، از میان خواهد برد. اگر ربات‌ها بتوانند وظایف تکراری انسان‌ها را انجام دهند که زمانی میلیون‌ها نفر را در کارخانه‌های نساجی و خطوط مونتاژ به کار می‌گرفت، آیا مسیر تولید صنعتی برای کشورهای در حال توسعه بسته نخواهد شد؟ امروز مشخص شده است که این نگرانی قابل فهم اما اغراق‌آمیز است. از نخستین انقلاب صنعتی تاکنون، جوامع همواره دگرگونی‌های نیروی کار ناشی از تغییرات فناورانه را تجربه کرده‌اند، اما در مقیاس کلان، صنعت شاهد افزایش اشتغال بود؛ زیرا اتوماسیون بهره‌وری را بالا برد، قیمت‌ها را کاهش داد و مشاغل تازه‌ای آفرید. در دوره‌های اخیر نیز اتوماسیون نه تنها در تولید صنعتی عموما به کاهش خالص اشتغال منجر نشده، که بر اساس نتایج گزارش «توسعه صنعتی سال ۲۰۲۰» یونید برای دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴، رشد موجودی ربات‌های صنعتی در سطح جهان اثری مثبت بر اشتغال جهانی نیز داشته است.

در کشورهای در حال توسعه اما موانع متعددی اثر اتوماسیون را محدود می‌کند. بیشتر فناوری‌های اتوماسیون برای محیط‌های با دستمزد بالا طراحی شده‌اند و تنها زمانی از نظر اقتصادی توجیه‌پذیر می‌شوند که هزینه نیروی کار بالا باشد. در صنایع کاربر مانند نساجی و فرآوری مواد غذایی، اتوماسیون اغلب توان رقابت با نیروی کار ارزان را ندارد. در این زمینه گزارش «تجارت و توسعه سال ۲۰۱۷» آنکتاد به ما می‌گوید در خصوص کشورهای در حال توسعه «آنچه از نظر فنی ممکن است، لزوما از نظر اقتصادی سودآور نیست».

در یک جمع‌بندی کلی باید گفت که بیشتر روایت‌های موفق توسعه از انقلاب صنعتی بریتانیا تا دگرگونی کره‌جنوبی و توسعه صنعتی چین از کف کارخانه گذشته‌اند. تولید صنعتی از رهگذر صرفه‌های مقیاس، بهره‌وری را به‌گونه‌ای افزایش می‌دهد که خدمات به دشواری می‌توانند همانند آن را فراهم کنند و سرریزهای نوآورانه‌ای ایجاد می‌کند که سراسر اقتصاد را دربرمی‌گیرد. همچنین امکان دسترسی به بازارهای جهانی را در مقیاسی فراهم می‌آورد که خدمات از آن بی‌بهره‌اند و برخلاف بیم‌ها درباره حذف مشاغل به‌واسطه اتوماسیون، کشورهایی چون چین نشان می‌دهند که تولید صنعتی می‌تواند صدها میلیون کارگر را جذب کند، حتی در حالی که روبات‌ها گسترش می‌یابند. البته خدمات بی‌اهمیت نیستند. سکوهای دیجیتال، خدمات مالی، و برون‌سپاری فرایندهای کسب‌وکار فرصت‌های واقعی برای توسعه ایجاد می‌کنند. اما آن‌ها نمی‌توانند جایگاه تولید صنعتی را به‌عنوان موتور رشد پایدار بهره‌وری و دگرگونی ساختاری بگیرند. کشورهایی که صنعتی‌شدن را نادیده گرفته‌اند یا آن را زودهنگام از دست داده‌اند هزینه آن را در قالب رشد کندتر، کسری‌های تجاری پایدار و کاهش ظرفیت نوآوری پرداخته‌اند. بنابراین گرچه کارخانه آینده بی‌گمان با کارخانه‌های گذشته متفاوت خواهد بود، اما تولید صنعتی یعنی تبدیل مواد خام به محصولات نهایی همچنان در کانون توسعه باقی خواهد ماند. راه رسیدن به رفاه هنوز از صنعت ساخت و «ساختن» می‌گذرد.

ضمن تشکر از سردبیر محترم و تمامی کسانی که زمینه‌ساز تحقق شماره پنجم مجله سیاست‌پژوهی بازرگانی و توسعه شدند، امیدوارم تلاش آن‌ها توانسته باشد گامی کوچک در جهت اعتلای دانش سیاست‌گذاری در کشور بردارد.

حسین مدرس خیابانی / تابستان ۱۴۰۴